

سپیده مجدزاده حامدانی

کارآموز وکالت

بررسی مقررات چک

چک از اسناد مهم و معتبر تجاری است که در کشور ما کاربرد زیادی دارد بجااست تا ضمن بررسی مقررات مربوطه راه‌حل‌هایی جهت اصلاح معایب قوانین مربوط به آن ارائه شود.

ماده ۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ یکی از وظایف صادرکننده چک را داشتن وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده در تاریخ صدور چک دانسته در حالی که اصلاحیه اخیر قانون چک مصوب ۱۳۸۲ صادرکننده را موظف به داشتن وجه نقد در تاریخ مندرج در چک کرده است.

بنابراین از ظاهر ماده چنین برمی‌آید که ماده ۳ سابق نداشتن وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده در تاریخ صدور چک را از مصادیق بزه صدور چک بلامحل دانسته است و قابل تعقیب کیفری می‌داند در حالی که مطابق اصلاحیه جدید تنها نداشتن وجه نقد در تاریخ مندرج در چک جرم محسوب می‌گردد و وجود یا عدم وجود اعتبار مطرح نمی‌باشد. در حالی که عملاً در صورت وجود اعتبار چک پرداخت می‌شود و برگشت نمی‌خورد بنابراین تفاوت مذکور، تنها تفاوت در عبارت است و از لحاظ مفهوم میان دو ماده تفاوتی وجود ندارد.

اما دو ماده سابق ولاحق درخصوص تاریخ چک متفاوت‌اند. ماده ۳ سابق تاریخ صدور را ذکر کرده و ماده ۳ لاحق از تاریخ مندرج در چک سخن به میان آورده است. تا قبل از اصلاح قانون صدور چک در سال ۱۳۸۲ صدور چک وعده‌دار جرم و قابل تعقیب کیفری شناخته شده بود. بنابراین صادرکننده می‌بایست در تاریخ صدور وجه نقد یا

اعتبار قابل استفاده در بانک داشته باشد. مطابق اصلحیه اخیر چک وعده دار قابل تعقیب کیفری نمی باشد. بنابراین عدم وجود وجه نقد در بانک در تاریخ صدور چک، جرم نبوده و باید در تاریخ مندرج در چک که ممکن است تاریخی مؤخر بر تاریخ صدور آن باشد وجه نقد در بانک موجود باشد.

ماده ۳ مکرر الحاقی ۱۳۸۲ چک را تنها در تاریخ مندرج در آن یا پس از آن قابل وصول می داند. بنابراین صدور چک وعده دار که سابقاً عملی مجرمانه و قابل تعقیب کیفری بود به موجب اصلحیه جدید مجاز شمرده شده و بانک موظف به پرداخت وجه آن در تاریخ مندرج در آن می باشد. هر چند این امر مخالف با اصول قانون تجارت و ماهیت چک است. به موجب ماده ۳۰۰ قانون تجارت چک باید به محض ارایه کارسازی شود. بنابراین چک باید خصوصیات اسکناس را دارا بوده و جایگزین وجه نقد گردد. از طرفی دیگر صدور چک به معنای دستور پرداخت وجه نقد می باشد و در صورت نیاز به تحصیل اعتبار باید از اسناد دیگر چون سفته و برات استفاده گردد.

مطابق اصلحیه جدید در صورتی که چک قبل از تاریخ مندرج در آن به بانک ارایه شود قابل پرداخت نمی باشد. بدین معنا که چک مؤخر بر تاریخ مندرج در آن قابل پرداخت است اما چک مقدم بر تاریخ مذکور حتی در صورت وجود وجه نقد در بانک قابل پرداخت نبوده و بانک پرداخت آن را موقوف به فرارسیدن تاریخ مندرج در متن چک می کند. در حالی که در قانون سابق هنگام ارایه چک قبل از تاریخ ذکر شده در آن به بانک به دلیل تقدم تاریخ چک بر تاریخ حقیقی آن (نقص تاریخ) گواهینامه عدم پرداخت وجه چک توسط بانک صادر می گردید و صادرکننده قابل تعقیب کیفری شناخته می شد. در خصوص مجازات صدور چک بلامحل تفاوت هایی میان قانون سابق و اصلحیه لاحق به چشم می خورد که به آن می پردازیم.

ماده ۷ قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ مجازات مرتکب صدور چک بلامحل را تعیین کرده است. در قانون سابق از مرتکب تخلفات مندرج در ماده ۳ سخن به میان آمده و در اصلحیه جدید عبارت مرتکب بزه صدور چک بلامحل جایگزین آن گردیده است که البته هر دو به یک معنا می باشد. زیرا تخلفات مندرج در ماده ۳ نیز از مصادیق بزه صدور چک بلامحل به شمار می روند. بجاست که در تدوین قانون عناوین مجرمانه

صراحتاً ذکر شود و اصلاحیه جدید در صدد رفع نقص قانون قبلی برآمده است. در قانون سابق مجازات صادرکننده چک بلامحل حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال و حسب مورد پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی هنگام ارایه به بانک تعیین شده بود. در تعیین مجازات مذکور به میزان مبلغ مندرج در چک توجهی نشده و برای صادرکنندگان چک بلامحل صرفنظر از مبلغ مندرج در آن مجازات یکسانی پیش‌بینی شده بود. اما اصلاحیه جدید مجازات را با توجه به مبلغ مندرج در متن چک متغیر دانسته است. چنان‌که مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون ریال باشد حبس تا حداکثر شش ماه و در صورتی که این مبلغ از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال باشد شش ماه تا یک سال و از پنجاه میلیون ریال بیشتر یک سال تا دو سال حبس در نظر گرفته شده است. در صورت اخیر ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال به مجازات حبس افزوده می‌شود و در صورتی که صادرکننده اقدام به اصدار چک‌های بلامحل کرده باشد مجموع مبالغ مندرج در متن چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.

بنابراین قانون جدید به جنبه مالی و اقتصادی جرم صدور چک بلامحل بیشتر توجه داشته است. اصلاحیه جدید اصول عدالت در قانونگزاری را بیش از قانون سابق رعایت کرده است. مطابق قانون سابق مجازات شخصی که مبادرت به صدور چک بلامحلی به مبلغ ده میلیون ریال می‌نمود با شخصی که چک بلامحلی به مبلغ پنجاه میلیون ریال صادر می‌کرد، یکسان بود. اما با توجه به اصلاحیه جدید مجازات‌های متفاوتی در این موارد پیش‌بینی شده است. با این حال ماده ۷ اصلاحی جدید نیز باعث سوءاستفاده تعدادی از صادرکنندگان چک که مبالغ زیادی به دارنده چک بدهکار هستند، می‌گردد. بجاست که مقنن در خصوص مبالغ بالاتر از پنجاه میلیون ریال مجازاتی بیش از دو سال حبس در نظر گیرد.

قانون سابق در مورد بزه صدور چک بلامحل مجازات حبس و جزای نقدی را پیش‌بینی کرده بود و دادگاه مخیر بود علاوه بر مجازات حبس حسب مورد به جزای نقدی مقرر نیز حکم دهد. اما اصلاحیه جدید جزای نقدی را حذف کرده و تنها مجازات حبس را در نظر گرفته است. البته در مواردی علاوه بر حبس ممنوعیت از داشتن دسته

چک به مدت دو سال را نیز پیش‌بینی کرده است که در قانون سابق به آن اشاره‌ای نشده بود.

تبصره الحاقی به ماده ۷ جدید مقرر می‌دارد: این مجازات‌ها شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده نمی‌باشد. احتمالاً هدف مقتن از وضع این ماده جلوگیری از رباخواری و انجام معاملات نامشروع در جامعه می‌باشد. خصوصاً در مورد ربا که به دلیل مشکلات اقتصادی افراد زیادی به آن تن در می‌دهند. گیرنده بهره ربوی (رباخوار) به دلیل ترس از امکان اظهار چنین ادعایی توسط صادرکننده چک که منجر به عدم وصول وجه چک و تحمل مجازات ربا نیز خواهد شد، از انجام این عمل خودداری می‌کند.

در مورد انجام معاملات نامشروع نیز ممکن است چنین حالتی پیش آید. جهت روشن شدن مقصود قانونگذار بجاست که مقایسه‌ای میان مجازات‌های مربوط به انواع معاملات نامشروع و ربا با مجازات صدور چک بلامحل (از نظر میزان شدت آنها) به عمل آید.

چراکه اگر مجازات مربوط به انجام معاملات نامشروع و ربا کمتر از مجازات صدور چک بلامحل باشد، صادرکننده چنین چکی نفع خود را در اعلام این موارد می‌بیند در غیر این صورت به مجازات اخف (مجازات صدور چک بلامحل) تن داده و از اعلام موارد فوق خودداری می‌کند. به عنوان مثال یکی از مصادیق معاملات نامشروع خرید مشروبات الکلی می‌باشد که مجازات آن طبق ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی سه تا شش ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق تعیین شده است. بنابراین اگر صادرکننده چک بلامحل به مبلغ کمتر از ده میلیون ریال آن را جهت خرید مشروبات الکلی صادر کرده باشد و ادعای خود را ثابت کند به حبس از سه تا شش ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد در حالی که اگر شخص مذکور ادعای صدور چک بابت خرید مشروبات الکلی را مطرح نکند به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم می‌شود. بنابراین ممکن است به یک ماه حبس محکوم شود پس حداقل مجازات مقرر در ماده ۷ قانون صدور چک کمتر از حداقل مجازات مقرر در ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی است و حداکثر مجازات در دو قانون مساوی است. اما اگر صادرکننده چک بلامحل، چک را جهت خرید مشروبات

الکلی صادر کرده و مبلغ چک بیش از ده میلیون ریال باشد، در صورت اثبات ادعای خویش به مجازاتی خفیف‌تر از مجازات بزه صدور چک بلامحل محکوم می‌گردد. از دیگر انواع معاملات نامشروع قماربازی است که مجازات آن مطابق ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی یک تا شش ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق تعیین کرده است و در صورت تجاهر به قماربازی هر دو مجازات اعمال می‌شود. بنابراین مجازات مقرر در این مورد با مجازات مربوط به صدور چک بلامحل تا میزان ده میلیون ریال تفاوت چندانی ندارد اما اگر صادرکننده چک بلامحل به مبلغ بیش از ده میلیون ریال، چک را بابت قمار صادر کرده باشد جهت فرار از تحمل مجازات اشد (مندرج در ماده ۷ قانون صدور چک) نفع خود را در طرح ادعای مذکور و اثبات آن می‌بیند.

بنابراین در مورد معاملات نامشروع با توجه به میزان مجازات تعیین شده در آن مورد و مقایسه آن با مجازات مقرر در مورد جرم صدور چک بلامحل (با توجه به مبلغ مندرج در چک) می‌توان به منفعت یا مضرت صادرکننده چک در طرح ادعای انجام این معاملات و اثبات آن پی برد.

در خصوص بهره ربوی که قانون از آن نام برده لازم به ذکر است که مجازات ربا مطابق ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی در مورد رباگیرنده، ربا دهنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال، شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی می‌باشد.

بنابراین مجازات مذکور از مجازات بزه صدور چک بلامحل شدیدتر بوده و در این مورد صادرکننده برای فرار از تحمل مجازات اشد به مجازات اخف پناه می‌برد و به طرح ادعای صدور چک بابت بهره و ربا نمی‌پردازد.

در این مورد توجه به تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

تبصره ۲ ماده ۵۹۵ قانون مذکور مقرر می‌دارد: هرگاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد. با توجه به این ماده اگر صادرکننده چک بلامحل بتواند اثبات کند که چک را بابت بهره ربوی صادر کرده و در صدور آن مضطر بوده‌است مجازات مربوط به ربا و چک

بلامحل در مورد وی اجرا نخواهد شد.

تبصره ۳ ماده فوق نیز قرارداد ربا را هرگاه میان پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده ندانسته است.

بنابراین در صورتی که شخص صادرکننده چک بلامحل بابت بهره ربوی (ریادهنده) همسر یا پدر یا فرزند رباگیرنده باشد، از تحمل مجازات مقرر در مورد ربا و چک بلامحل معاف می‌گردد. در موارد فوق صادرکننده چک بلامحل نفع خویش را در طرح ادعای صدور چک بابت بهره ربوی دانسته و در صدد استفاده از این معافیت قانونی برمی‌آید.

ماده ۱۲ قانون صدور چک سابق مقرر می‌دارد: هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا اینکه متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور (از قرار صدی ۱۲ در سال از تاریخ ارایه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع کند، مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد.

قانون سابق نحوه محاسبه خسارات مذکور را از قرار صدی ۱۲ در سال تعیین کرده بود اما اصلاحیه جدید با حذف عبارت از قرار صدی ۱۲ در سال میزان خسارت و نحوه احتساب آن را بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک (مصوب ۱۰/۳/۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام) قرار داده است. تبصره الحاقی مقرر می‌دارد: دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا کند. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مربوط را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم کند.

در پاسخ به این سؤال که مراد از خسارات و هزینه‌های وارد شده در این تبصره چه می‌باشد قانون استفساریه مصوب ۲۱/۹/۱۳۷۷ مقرر می‌دارد: منظور از عبارت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی

از قانون صدور چک مصوب ۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن می‌باشد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه‌های قانونی است. بنابراین از آنجا که نرخ تورم طبق اعلام مقامات رسمی بالاتر از ۱۲٪ و در حدود ۲۵٪ می‌باشد، قانون جدید در صدد رفع مشکلات دارنده چک و حمایت از وی برآمده است.

ماده ۱۲ قانون صدور چک مواردی را که سبب موقوف شدن اجرای حکم می‌گردد، ذکر کرده و مقرر می‌دارد: محکوم علیه پس از آن ملزم به پرداخت مبلغی معادل $\frac{1}{4}$ جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول می‌شود. در لاصحیه جدید با توجه به اصلاح ماده ۷ و حذف جزای نقدی (حسب مورد معادل $\frac{1}{4}$ تمام وجه چک یا $\frac{1}{4}$ کسر موجودی هنگام ارایه چک به بانک) قسمت اخیر این ماده نسخ ضمنی شده است.

مطابق ماده ۱۳ سابق، صدور چک به عنوان تضمین، تأمین اعتبار، مشروط وعده‌دار یا سفیدامضا ممنوع و قابل مجازات می‌باشد. صادرکننده در صورت شکایت ذینفع و عدم پرداخت به مجازات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال یا جزای نقدی از یکصد هزار تا ده میلیون ریال محکوم می‌گردد.

ماده ۱۳ سابق مطابق اصول قانون تجارت تدوین شده بود. به موجب ماده ۳۰۰ قانون تجارت چک باید به محض ارایه کارسازی شود. بنابراین چک باید خصایص اسکناس را دارا بوده و جایگزین پول نقد گردد. در حقیقت صدور چک معادل دستور پرداخت بوده است و نباید وسیله تحصیل اعتبار به شمار رود.

ماده ۱۳ سابق با ممنوع اعلام کردن استفاده از چک‌های مذکور خصوصاً چک‌های وعده‌دار، عرف بازرگانی جامعه را نادیده گرفته بود. زیرا استفاده از چک‌های وعده‌دار در جامعه رایج است. این امر باعث شد تا مردم تمایلی به استفاده از چک نشان نداده و به سوی نقدینگی روی آورند. در اصلاحیه سابق تکلیف چک‌های بدون تاریخ نیز مشخص نشده بود که این خود از معایب آن به شمار می‌رفت. از طرفی با اعمال ماده ۱۳ اصلاحیه سابق (۱۳۷۲) تعداد بی‌شماری از افراد روانه زندان شده و زندان‌ها با مشکل

کمبود جا مواجه شدند.

به نظر می‌رسد کمبود زندان‌ها و فقدان فضای کافی جهت نگهداری مجرمین مذکور یکی از دلایل قانونگذار جهت اصلاح این ماده باشد.

در اصلاحیه جدید صدور چک به عنوان تضمین، تأمین اعتبار، مشروط، وعده‌دار سفیدامضا و بدون تاریخ قابل تعقیب کیفری نمی‌باشد. در این اصلاحیه برخلاف قانون سابق تکلیف چک‌های بدون تاریخ نیز مشخص شده است. اصلاحیه جدید با اصل ۳۰۰ قانون تجارت در تضاد است و خصیصه اسکنان گونه را از چک سلب می‌کند. از طرف دیگر تشویقی است برای افراد شیاد و کلاهبردار تا با استفاده از قانون، چک را به گونه‌ای تنظیم کنند که مشمول تعقیب کیفری قرار نگیرند و از آنجا که اغلب افراد جامعه اطلاع کافی و جامع از مقررات ندارند به راحتی به مقصود خویش می‌رسند. از طرف دیگر مطابق عرف جامعه و بازار اغلب چک‌های صادره مشمول یکی از شرایط مندرج در اصلاحیه ماده ۱۳ قرار گرفته و فاقد جنبه جزایی می‌گردد. زیرا اغلب افراد جامعه از چک‌های وعده‌دار، بابت تضمین انجام تعهد و معامله استفاده می‌کنند و این امر به عنوان یک عرف بازرگانی در جامعه رواج دارد.

ماده ۱۸ سابق در صورت عدم تأمین وجه چک در بانک مرجع رسیدگی را ملزم به اخذ وجه‌الضمان نقدی یا ضمانت‌نامه بانکی معادل وجه چک یا قسمتی از آن که مورد شکایت واقع شده بود، می‌کرد. از ظاهر ماده چنین برمی‌آید که تنها موارد عدم تأمین وجه چک در بانک مدنظر بوده و مابقی مصادیق بزه صدور چک بلامحل مندرج در ماده ۳ (از جمله عدم پرداخت به دلیل صدور دستور عدم پرداخت یا عدم مطابقت امضا یا اختلاف در مندرجات چک و غیره) را دربر نمی‌گیرد. در حالی که قانونگذار از روی تسامح این عبارت را به کار برده و منظور تمامی مصادیق جرم صدور چک بلامحل می‌باشد. اما ماده ۱۸ اصلاحی صراحتاً از جرایم مربوط به چک بلامحل نام برده که عبارتی صحیح و موجه می‌باشد. نتیجتاً در تفسیر قانون ابهامی پیش نمی‌آید.

مطابق ماده ۱۸ سابق در صورت تعدد صادرکنندگان چک بلامحل وجه‌الضمان نقدی یا ضمانت‌نامه بانکی از آنان با توجه به میزان مسؤلیت هر یک و در صورت معلوم نبودن به طور مساوی اخذ می‌شود. چنانچه یکی از متهمین معادل تمام مبلغ چک وجه‌الضمان

یا ضمانتنامه بانکی داده باشد از مابقی تأمین مناسب اخذ می‌گردد.

در این ماده شرایط اخذ تأمین درخصوص موارد مندرج در ماده ۱۴ معین و در صورت درخواست مهلت توسط صادرکننده نیز تعیین تکلیف شده است.

ماده ۱۸ جدید مقرر می‌دارد: مرجع رسیدگی جرایم مربوط به چک بلامحل از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۷۸/۶/۲۸ کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجد نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول) اخذ می‌کند.

بنابراین ماده ۱۸ اصلاحی سال ۸۲ مساعد به حال متهم است. در حالی که به موجب ماده ۱۸ سابق مرجع رسیدگی تنها می‌توانست از متهم ضمانتنامه بانکی یا وجه‌الضمان معتبر و به عبارتی وجه نقد اخذ کند. در حال حاضر می‌توان یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد، ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول) اخذ کرد. بنابراین اگر متهم وجه نقد در دسترس نداشته باشد می‌تواند مال منقول یا غیر منقول سپرده و از حبس رهایی یابد.

در ماده ۱۸ سابق طرق اخذ تأمین پیش‌بینی شده که در ماده ۱۸ لاحق حذف گردیده است. ماده ۱۸ لاحق طریق اخذ تأمین را مطابق اصول کلی آیین دادرسی کیفری (ماده ۱۳۴) قرار داده و نیاز به توضیحات اضافی ندیده است. از آنجا که طرق اخذ تأمین در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب که قانون عام به شمار می‌رود ذکر شده نیاز به تعیین طریق در قانون خاص نمی‌باشد.

مطابق ماده ۱۳۴ قانون مذکور تأمین باید بااهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد.

بجاست که در قانونگزاری از ذکر عبارات تکراری و زاید جلوگیری به عمل آید و قانون تا حد امکان مختصر و مفید باشد. قانون جدید این امر را به خوبی رعایت کرده است.

مطابق ماده ۲۲ سابق در صورت عدم دسترسی به متهم آخرین نشانی وی در بانک

محال‌علیه اقامتگاه قانونی وی محسوب است و هر گونه ابلاغی به آن نشانی به عمل می‌آید مگر اینکه متهم به ترتیب مقرر در تبصره ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری نشانی دیگری تعیین کرده باشد. مطابق ماده ۱۲۵ چنانچه متهم محل اقامت خویش را تغییر دهد باید محل جدید را اعلام کند و تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و طفره و تعلل به گونه‌ای که ابلاغ متعسر باشد پذیرفته نیست. ماده ۲۲ لاحق قسمت اخیر ماده سابق را حذف کرده است، علت حذف این مورد واضح است. زیرا همان گونه که قبلاً توضیح داده شد قانون آیین دادرسی کیفری قانونی عام به شمار می‌رود و در همه موارد لازم‌الرعایه است و نیاز به تکرار اصول آن در قوانین خاص نمی‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی